

بررسی و سنجش میزان توسعه اجتماعی در مناطق روستایی استان مازندران^۱

* ابوالقاسم حیدرآبادی

** دکتر علی رحمانی فیروزجاه

*** مهندس راحله مجتبوی

کد مقاله: ۲۶۷

چکیده

توسعه اجتماعی با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه ارتباط تنگاتنگ دارد و در بعد عینی خود ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت می‌باشد. در پژوهش حاضر به بررسی و مطالعه میزان توسعه‌یافتگی دهستان‌های استان مازندران پرداخته شده است. شاخص‌های مورد مطالعه نشانگر کیفیت و سطح زندگی ساکنین روستاهای منطقه می‌باشد و بر اساس آخرین اطلاعات به دست آمده از سرشماری ۱۳۸۵ کشور، دهستان‌ها گروه‌بندی و رتبه‌بندی شده‌اند. روش مطالعه در این پژوهش تحلیل ثانویه است و از روش تجزیه و تحلیل عوامل استفاده شده است. جامعه‌ی آماری را نقاط روستایی استان مازندران تشکیل می‌دهد که تعداد آن‌ها ۱۱۲ دهستان است. دهستان‌ها در پنج گروه توسعه یافته، نسبتاً توسعه یافته، محرومیت نسبی، محروم و خیلی محروم قرار گرفته است. یافته‌ها و نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بر اساس عامل اول (خدمات رفاهی و بهداشتی) دهستان عزیزک در شهرستان بابلسر توسعه یافته‌ترین و دهستان کلارآباد در شهرستان تنکابن محروم‌ترین دهستان می‌باشد.

واژگان کلیدی: توسعه اجتماعی، شاخص‌های توسعه اجتماعی، میزان توسعه‌یافتگی.

۱- این مقاله برگرفته از طرح تحقیقی مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل به شماره‌ی ۱۶۸۷۶ مورخه ۸۷/۱۱/۱۵ با عنوان «بررسی میزان توسعه‌یافتگی و محرومیت در نقاط روستایی استان مازندران» تدوین گردیده است.
* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل.

Email:heidarabadi1977@yahoo.com

Email:arf1348@hotmail.com

Email:mojtabavi1977@yahoo.com

** دکترای جامعه‌شناسی و معاون پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.

مقدمه

مفهوم توسعه مقوله‌ای چندبُعدی است که رفاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برای افراد یک جامعه به همراه دارد. مطالعات در زمینه توسعه روستایی و رفع محرومیت در این مناطق پس از جنگ جهانی دوم آغاز شده است. در این مطالعات چهار هدف کلی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و طبیعی مد نظر بوده است.

مایکل تودارو در تعریف توسعه معتقد است که توسعه را باید جریانی چندبُعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج می‌شود و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد (تودارو، ۱۳۶۶، ص ۱۳۵).

اهداف اقتصادی عبارتند از درآمد ثابت و دائمی، امنیت شغلی، تعادل شغلی (ترکیبی شامل بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات)، تقسیم توانایی پاسخگویی منابع، توزیع و مصرف برای مدتی طولانی. همچنین اهداف اجتماعی عبارتند از حفظ سلامتی که اساس ادامه حیات جامعه است و نیز دسترسی به سلامت، تهیه و توزیع آن در سطح جامعه، توسعه آموزش که عامل هدایت و ایجاد یک زندگی سالم است، رسیدن به خودکفایی بر اساس ارزش‌های فرهنگی، حفظ محیط طبیعی جهت سلامتی جامعه.

مطالعه در زمینه توسعه روستایی و استفاده از نظریات توسعه مبتنی بر رشد اقتصادی، باعث ایجاد نابرابری در توزیع درآمد بین گروه‌های مختلف جامعه شده است. در نتیجه در ایران، دولت همواره به دنبال این بوده است که جهت تعدیل و کاهش نابرابری‌ها بین گروه‌های اجتماعی و مناطق مختلف کشور راهکارهایی را ارائه دهد (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۳، ص ۴).

اجرای پنج برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دوره قبل از انقلاب اسلامی و چهار برنامه در سال‌های پس از انقلاب، عمدتاً با تکیه بر رشد اقتصادی اجرا شده است و توسعه و تعادل منطقه‌ای، اگر در برهه‌هایی از زمان مطرح شده است، بیشتر بر چهارچوب‌های نظری مبتنی بر رشد برونزا استوار بوده است. بر این اساس برقراری تعادل

و توازن منطقه‌ای بیشتر به تزریق منابع از مرکز به منطقه و عمدتاً نیز از بودجه عمومی دولت معطوف بوده است.

بیان مسأله

توزیع نامتعادل امکانات و خدمات و توجه بیشتر به نقاط شهری پرجمعیت، به تمرکز بیش از حد جمعیت در شهرهای بزرگ و تخلیه تدریجی جمعیت از نقاط روستایی و برخی شهرهای کوچک منجر شده است. از سویی، کمبود یا نبود امکانات کار و فعالیت در روستاها، و نبود امکانات بهداشتی، آموزشی و اداری مورد نیاز در روستاها و از سوی دیگر، وجود ظاهری این امکانات در شهرها، روستاییان را به مهاجرت به شهرها وا می‌دارد. به این ترتیب، گروه‌هایی از افراد جامعه که در صورت فراهم بودن امکان سکونت و کار در روستا، می‌توانستند نقشی اساسی در تولید داشته باشند، به گروه‌هایی مصرف کننده در جامعه شهری تبدیل می‌شوند.

با توجه به افزایش روزافزون جمعیت در چند مرکز عمده شهری، مشکلات مربوط به تمرکز جمعیت، روز به روز ابعاد وسیع‌تری یافته برای تعدیل این مشکلات باید تغییری در الگوی سکونت شهری - روستایی ایجاد شود و مهاجرت‌های مستقیم از روستا به مراکز شهری درجه یک و دو کاهش یابد. به عبارتی دیگر لازم است با ایجاد نظام سلسله مراتب سکونت‌گاهی حرکت‌های جمعیت در داخل منطقه منظم و متعادل شود و در همان حال از تخلیه نقاط آباد و مستعد رشد و توسعه جلوگیری شود. نخستین گام در این زمینه شناخت نقاط روستایی توسعه یافته و نقاط روستایی محروم و عقب‌مانده در استان مازندران می‌باشد. یا به عبارت صحیح‌تر شناخت میزان توسعه‌یافتگی روستاهاست، زیرا بدون شناخت محرومیت و توسعه‌نیافتگی کوشش برای زدودن و یا کاهش آن امکان‌پذیر نخواهد بود. در نتیجه می‌توان گفت که این امر مسایل و مشکلات زیادی را در مناطق مختلف استان و خصوصاً روستاها به وجود آورده است (سازمان برنامه و بودجه استان فارس، ۱۳۷۲، ص ۲).

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

از دهه ۱۹۸۰ به بعد با گسترش مقولات «توسعه پایدار» و «جنبش محیط زیست» توجه به اهداف محیطی، اجتماعی و فرهنگی توسعه و عمران شهری و منطقه‌ای بیش از پیش

تقویت گردیده است و رویه‌های عملی مربوط به آن‌ها توسعه پیدا کرده است. کاربرد نظریه‌های مبتنی بر رشد اقتصادی که در دهه‌های اخیر چهارچوب نظری توسعه کشور بوده است، نابرابری در توزیع درآمد بین گروه‌های مختلف جامعه و برخورداری نامتوازن مناطق مختلف از دستاوردهای توسعه را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. از این روست که در کشورهای در حال توسعه‌ای چون ایران دولت‌ها همواره در جستجوی راه‌کارهایی برای تعدیل و کاهش نابرابری‌ها بین گروه‌های اجتماعی و مناطق مختلف کشور می‌باشد.

در برنامه‌ی سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور بر نهادسازی و اصلاح ساختار تأکید شده است که بر اساس آن نگرش‌های جدید نسبت به توسعه متعادل و متوازن همه مناطق کشور و از جمله عرصه‌های کمتر توسعه‌یافته و مناطق روستایی است. گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای و رفع محرومیت خصوصاً در مناطق روستایی از جمله رهنمودهای دولت در برنامه توسعه و عمران کشور می‌باشد و در صدد است تا استقرار عدالت کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و کاهش محرومیت و توانمندسازی فقرا را از طریق برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت تسریع نماید. توجه و اهمیت دادن به شاخص‌های اجتماعی نتایج و آثار مفیدی دارد که می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های اجرایی سودمند باشد. از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) وجود داده‌های مربوط به شاخص‌های اجتماعی در طول زمان‌های مختلف و تدوین سری‌های زمانی، نظارت بر پیشرفت‌های اجتماعی و تحلیل توزیع منافع توسعه را امکان‌پذیر می‌سازد.

ب) وجود شاخص‌های اجتماعی در کشورهای با سطوح مختلف توسعه اقتصادی و با نظام‌های اجتماعی و اقتصادی متفاوت، زمینه مساعد جهت بررسی‌های ثمربخش درباره‌ی رابطه بین نظام‌های اجتماعی و اقتصادی و الگوهای رشد اقتصادی و اجتماعی را به صورت تطبیقی فراهم می‌کند.

ج) وجود شاخص‌های اجتماعی مناسب می‌تواند راهنمایی در مورد آثار اجتماعی طرح‌ها و سیاست‌های خاص در اختیار مسئولین قرار دهد.

د) شاخص‌های اجتماعی اطلاعاتی درباره موضوعات مورد علاقه افراد ذی‌نفع و عموم علاقه‌مندان قرار می‌دهد و بدین وسیله بحث و تجزیه و تحلیل را بر می‌انگیزد. با توجه به اهمیت این موضوع و مورد توجه قرار گرفتن آن در طرح‌های توسعه‌ای در این طرح مطالعه و شناخت پهنه‌های (توسعه‌یافته) و محروم در استان مازندران اهمیت و ضرورت می‌یابد. به عبارت دیگر یکی از اهداف اساسی و مهم برنامه‌ریزی منطقه‌ای توزیع امکانات و قابلیت‌ها متناسب با توان بالقوه و بالفعل مناطق و توزیع جمعیت متناسب با این امکانات است. در جامعه‌ای که نابرابری و عدم تعادل حاکم باشد، بهره‌گیری مناسب از امکانات بالقوه جمعیت و هدایت توانایی‌ها در جهت رشد و تعالی امکان‌پذیر نخواهد بود.

اهداف تحقیق

هدف کلی که این طرح به دنبال آن است شناخت و سنجش سطح توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان مازندران می‌باشد. سایر اهداف جزئی عبارتند از:

- سنجش میزان توسعه‌یافتگی هر یک از دهستان‌های استان مازندران از نظر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی.
- گروه‌بندی و رتبه‌بندی دهستان‌های استان از نظر توسعه‌یافتگی.

مروری بر ادبیات نظری تحقیق

امروزه یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مفاهیم مرتبط با زندگی افراد در جوامع مختلف مفهوم توسعه اجتماعی است. دانشمندان در راستای رسیدن به جامعه‌ای مطلوب از اشکال اقتصادی، ایدئولوژی و فرهنگی در کنش‌ها و واکنش‌های جامعه به طور جدی به مسأله‌ی توسعه اجتماعی و توسعه‌یافتگی یا محرومیت توجه دارند. توسعه اجتماعی در یک جامعه را می‌توان تلاش‌هایی دانست که برای تحقق بهبود در وضعیت خدماتی و رفاهی صورت می‌پذیرد. پرواضح است که صراحت دانشمندان در مباحث توسعه مفاهیم جدید و اساسی‌تری همانند توسعه انسانی را باز کرده است. از طرفی روشن است که مسایلی مانند رفاه و بهزیستی جوامع چه در شهرها و چه در روستاها در بهبود کیفیت زندگی همواره در شکل‌یابی مفهوم توسعه اجتماعی و تعریف آن مؤثر بوده است.

به طور کلی توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساختارهای نهادی، اجتماعی - اداری و همچنین ایستارها و وجهه نظرهای عمومی است. توسعه در بسیاری موارد حتی آداب و رسوم و عقاید مردم را در بر می‌گیرد (ازکیا، ۱۳۷۷، صص ۸-۷).

توسعه در ابتدا به معنای رشد اقتصادی بود؛ یعنی روندی که منجر به افزایش درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی و باعث بهبود سطح زندگی بهتر مردم محروم می‌گردد. هدف تئوری‌های توسعه نیز تسریع رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌نیافته بوده است. در چنین شرایطی دولت نماینده‌ی اجرای برنامه‌های توسعه و نظارت بر آن‌ها محسوب می‌شد. اما به تدریج و با معلوم شدن نقاط ضعف برنامه‌های گذشته، مفهوم توسعه و عوامل اجراکننده‌ی آن دستخوش تحول شد. به ویژه این که مشخص شد نبودن ساختارهای کارآمد اجتماعی در جهان سوم رشد اقتصادی آن‌ها را تحت تاثیر قرار داده است و رشد درآمد اقتصادی این کشورها باعث توسعه مطلوب اجتماعی در آن‌ها نشده است. به این ترتیب ابعاد اجتماعی توسعه مورد توجه قرار گرفت و رفع نیازهای مادی، فرهنگی و اجتماعی انسان در استراتژی‌های توسعه گنجانده شد. با نگاهی به تعاریف موجود، توسعه اجتماعی را می‌توان فرآیند ایجاد دگرگونی بنیادی در ساختارها و روابط اجتماعی با انگیزه تحقق اهداف ادغام اجتماعی، انسجام اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی و برآوردن احتیاجات طبقات مختلف مردم و پاسخگو کردن کارگزاران و صاحبان قدرت تعریف کرد. از این رو دستیابی به توسعه‌ای همه‌جانبه که قادر به تقویت انسجام ملی در کشور باشد بدون توجه به ابعاد اجتماعی آن امری غیرممکن می‌باشد و توجه ویژه مسئولان به امر توسعه اجتماعی در تحقق انسجام ملی امری ضروری است.

توسعه را می‌توان نوعی فرآیند مشارکت مردمی عام‌گرا دانست که در جهت به حداکثر رساندن انرژی به منظور پاسخگویی به نیازهای جسمانی، روانی و اجتماعی مردم با هدف دستیابی به رفاه و عدالت اجتماعی سازمان‌دهی می‌شود. شرط لازم توسعه وجود مازاد انرژی در جامعه، طرح ایده‌ها و شیوه‌های نو توسط مبتکران، وجود اشتیاق جمعی به منظور رفتن به سطح بالاتر و سازماندهی است. خاستگاه مباحث توسعه در وهله‌ی نخست

اقتصادی بوده است که در فرآیند آن صاحب نظران توسعه بر رشد اقتصادی، افزایش درآمد ملی، تغییر ساختار تولید و صنعتی شدن تأکید کرده‌اند. پس از جنگ جهانی دوم و کسب تجارب متعدد کارگزاران توسعه توجه خود را به لایه‌ی سیاست معطوف کردند. نقش نظام سیاسی در توسعه‌ی ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا و شیوه‌های توسعه سیاسی از عمده‌ترین مباحث ارتباط بین سیاست و توسعه بوده است (اسماعیلی، ۱۳۸۵، ص ۲۸).

تجارب ناموفق سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در فرآیند نوسازی و یافتن علت‌های آن، ذهن صاحب نظران و مدیران توسعه را به مقوله فرهنگ و توسعه معطوف نمود. زمینه‌ها و عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه و تعمیق این بحث موجب شد که توسعه فرهنگی با هدف افزایش دسترسی مردم به کالاها و خدمات فرهنگی، مشارکت در فرهنگ و حفظ هویت فرهنگی در دهه ۱۹۸۰ مورد عنایت قرار گیرد. توسعه اجتماعی جزو آخرین لایه‌ای بود که در فرآیند توسعه در دهه‌ی پایانی قرن بیستم در سطح جهانی به آن توجه شد. شکست برنامه‌های توسعه آمرانه، دولت محور، اقتصادگرا و فن‌سالار بدون حضور و مشارکت مردم و پیامدهای ناخوشایند جهانی‌سازی و سیاست‌های تعدیل اقتصادی پیشنهاد شده توسط صندوق بین‌المللی پول و خصوصی‌سازی اقتصادی بدون تقویت جامعه مدنی منجر به طرح مبحث توسعه اجتماعی در سطح جهانی بوده است. توسعه اجتماعی فرآیندی است که طی آن قابلیت‌های بافت اجتماعی جهت مشارکت آگاهانه شهروندان با هدف افزایش کیفیت زندگی و برابری اجتماعی جهت مشارکت آگاهانه شهروندان با هدف افزایش کیفیت زندگی و برابری اجتماعی آنان ارتقا می‌یابد و در آن ساختارهای لازم برای تحقق این هدف تدارک دیده می‌شود (همان منبع، ص ۲۹).

از زمان ظهور اندیشه‌ی توسعه به عنوان یک مسأله‌ی جهانی در دوره‌ی بعد از جنگ جهانی دوم همواره یکی از غایت‌های امر توسعه دستیابی به استانداردهای بهتر زندگی و افزایش رفاه اجتماعی بوده است. در گام‌های اولیه بر اساس این پیش‌فرض که توسعه اجتماعی می‌بایست به عنوان امری متأخر نسبت به رشد اقتصادی در نظر گرفته شود، اولویت و اصالت به رشد اقتصادی داده می‌شد و فرض بر این بود که تمرکز بر رشد اقتصادی از طریق انباشت پس‌انداز، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش صنعتی و تکیه بر

تکنولوژی‌های پیشرفته و مدرن منشأ افزایش سطح درآمدها و در نتیجه افزایش سطح زندگی و رفاه خواهد بود (مومنی، ۱۳۸۰، ص ۱۴، به نقل از مارگارت و دیگران، ۱۹۹۱، ص ۱۶).

در بحث توسعه و توسعه اجتماعی نیز همانند دیگر مفاهیم اقتصادی و اجتماعی دو دیدگاه عمده‌ی رفاه‌گرا و مارکسیستی وجود دارد. نظریه‌پردازان رفاه‌گرا مفهوم توسعه اجتماعی را در حرکت به سوی کیفیت بهتر زندگی می‌دانند. از این دسته، وارنر^۱ معتقد است که توسعه اجتماعی عبارتست از امکانات زندگی مردم در جامعه. اما امکانات زندگی قلمرو گسترده‌ای دارد. ماکس وبر^۲ بر این نظر پافشاری می‌کند که شانس زندگی عبارت است از امکان دستیابی به شرایط زندگی مناسب‌تر و تجربیات زندگی شخصی بهتر.

از سوی دیگر میلز و گرت^۳ گستره‌ی زیادی برای مفهوم شانس زندگی قایل شده‌اند که شامل هر چیزی است که امکانات زندگی از یک سالگی تا فرصت دیدن هنرهای زیبا، تندرستی، رشد و غیره را فراهم می‌کند. از نظر سازمان‌های بین‌المللی چون سازمان ملل نیز با استناد به گزارش‌های توسعه انسانی و اجتماعی این سازمان هدف نهایی توسعه آرایه‌ی شانس یا فرصت‌های مناسب به مردم برای زندگی بهتر از طریق دسترسی به تسهیلات آموزشی، بهداشتی، رفاهی، تغذیه، مسکن و غیره می‌باشد.

در مقابل این نظر دیدگاه‌های مارکسیستی بر ارزش‌های مبتنی بر مساوات اجتماعی در بحث توسعه اجتماعی تأکید می‌کند. دونگ کیم^۴ توسعه‌ی اجتماعی را درجه‌ای از ساختار اجتماعی می‌داند که به اکثریت محروم جامعه نه تنها اجازه‌ی تقاضا برای برخورداری از سهم خود را از منابع ملی می‌دهد، بلکه در جهت رسیدن به هدف آن‌ها را یاری می‌کند. از نظر وی اگر تغییر ساختاری در جامعه مسیری باشد که فرصت‌های لازم را برای دستیابی توده‌ی مردم به سهم خود از منابع ملی در اختیار آن‌ها قرار دهد، این مسیر در اصل همان فرآیند توسعه است. در واقع فرآیند توسعه اجتماعی از دیدگاه آنان فرآیندی در جامعه عاری از استعمار و استثمار اجتماعی است (شمعدانی حق، ۱۳۸۰، ص ۲۵۲).

مؤلفه‌های توسعه اجتماعی عمدتاً دو دسته‌اند: یک دسته، جنبه ایجابی دارد و تحقق آن از شرایط کافی توسعه اجتماعی به شمار می‌آید و دسته‌ی دیگر، جنبه سلبی دارد و تلاش در راستای شناسایی و تدارک راه‌کارهایی برای جلوگیری از گسترش آن‌ها به عنوان

شرایط لازم توسعه محسوب می‌شود. مؤلفه‌های سلبی عمدتاً اشاره به جنبه‌ی بازدارنده و موانع توسعه اجتماعی دارد و بالطبع رفع موانع در اولویت اجرایی قرار می‌گیرد. از مهمترین مؤلفه‌های سلبی توسعه اجتماعی می‌توان به مواردی مانند دخالت هدف‌دار دولت در حمایت از گروه‌های محروم، کاهش کجروی، کاهش تعارض اقوام، جلوگیری از پدیده مهاجرت به شهرها، کاهش باروری و کنترل رشد جمعیت، جلوگیری از فرار سرمایه‌ها و مغزها و کاهش فاصله طبقات اجتماعی و میزان فقر اشاره کرد.

اما شاخص‌ها و مؤلفه‌های ایجابی توسعه‌ی اجتماعی از رویکرد تثبیت نظم اجتماعی برخوردار بوده و از مهمترین آن‌ها می‌توان به مواردی چون تعلیمات ابتدایی همگانی و ایجاد فرصت‌های آموزشی فراگیر، کاهش نرخ بی‌سوادی بزرگسالان، از میان برداشتن سوء تغذیه، تأمین آب آشامیدنی سالم، آموزش مهارت‌ها، مراقبت‌های بهداشتی اولیه همگانی و غیره اشاره کرد (بخارایی، ۱۳۸۰، صص ۱۰-۹).

عده‌ای از محققان از جمله آندروز^۶، ویتی^۷، درونوسکی^۸، گولت^۹، مازلو^۹ و مایلز^{۱۰} شاخص‌های توسعه اجتماعی را در چهار دسته زیر معرفی کرده‌اند: دسته‌ی اول به شرایط زندگی (بهداشت، تغذیه، مسکن، دسترسی به آب و تسهیلات بهداشتی) اشاره دارد. دسته دوم جنبه‌های اطلاعاتی و فرهنگی را تشکیل می‌دهد (سوادآموزی، آموزش و پرورش، کتابخانه‌ها، روزنامه‌ها، موسیقی، تئاتر و هنرهای زیبا). سومین دسته مربوط به برخی از مسایل اجتماعی است (حقوق بشر، وضعیت زنان، مشارکت، برابری، امنیت فردی، کار کودکان، استعمال مواد مخدر، فساد و وضعیت محیط زیست) و دسته چهارم عبارت از شاخص‌های مربوط به ذهن و جان آدمی است (خوشبختی، رضایت، آرامش و غیره) گای و دیگران، ۱۳۷۱، ص ۱۴).

پروهایت (۲۰۰۸) در بحث شاخص‌های توسعه در روستاهای هند به عواملی مانند میزان باسوادی، شاخص توسعه انسانی، مرگ و میر کودکان، باسوادی بزرگسالان، امید زندگی مردان، امید زندگی زنان، جاده‌های اصلی، نسبت جنسی و بُعد خانوار اشاره می‌کند و بر اساس آن‌ها به سنجش میزان توسعه یافتگی روستاها می‌پردازد (پروهایت، ۲۰۰۸، ص ۲۵۸).

پرسش‌های تحقیق

در این پژوهش سؤال‌های مهم و اصلی عبارتند از:
 آیا میزان محرومیت و توسعه اجتماعی در مناطق روستایی استان مازندران (در سطح دهستان‌ها) با یکدیگر برابر است؟
 جایگاه و وضعیت هر یک از دهستان‌ها در چه سطحی از توسعه‌یافتگی است؟
 چگونه می‌توان دهستان‌های استان را از این نظر گروه‌بندی و رتبه‌بندی نمود؟

متغیرهای تحقیق

در این پژوهش به منظور بررسی و تعیین شاخص‌های اساسی توسعه‌یافتگی یا عقب‌ماندگی در هر منطقه از متغیرهایی در قالب پنج گروه زیر استفاده شده است:

۱- *متغیرهای اقتصادی*: برای نشان دادن وضع عمومی اشتغال و بیکاری در هر دهستان از شاخص میزان اشتغال استفاده شده است. از آنجا که بالا بودن میزان بیکاری از نشانه‌های عقب‌ماندگی جوامع است، بنابراین دهستان‌هایی که درصد بالاتری از جمعیت آن‌ها شاغل هستند در شرایط مناسب‌تری قرار دارند و در این دهستان‌ها زمینه لازم برای تولید بیشتر فراهم می‌شود.

۲- *متغیرهای مسکن*: مسکن از جمله شاخص‌هایی است که نشان‌دهنده‌ی وضع اقتصادی خانوارها می‌باشد. جهت سنجش متغیر مسکن از دو شاخص تراکم خانوار در واحدهای مسکونی و شاخص بُعد خانوار استفاده شده است.

۳- *متغیرهای بهداشتی و درمانی*: میزان برخورداری از امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی یکی دیگر از شاخص‌های اساسی است که با میزان توسعه‌یافتگی در جوامع ارتباط مستقیم دارد. در این پژوهش برای سنجش وضعیت بهداشتی دهستان‌ها از دو شاخص درصد آبادی‌های دارای مرکز بهداشتی و درمانی در هر دهستان و درصد آبادی‌های دارای پزشک استفاده شده است.

۴- *متغیرهای آموزشی*: در جوامع توسعه‌یافته میزان و درصد باسوادی بالاست و پوشش تحصیلی در مقاطع مختلف تحصیلی تقریباً کامل است. جهت سنجش میزان توسعه‌یافتگی دهستان‌ها از نظر آموزشی از شاخص‌هایی چون درصد آبادی‌های بهره‌مند از

دبستان، درصد آبادی‌های برخوردار از مدرسه راهنمایی، درصد آبادی‌های دارای از دبیرستان و میزان باسوادی جمعیت شش ساله و بیشتر استفاده شده است.

۵- متغیرهای تأسیسات زیربنایی و تسهیلات: برای سنجش این متغیر از شاخص‌هایی مانند درصد آبادی‌های دارای برق، درصد آبادی‌های بهره‌مند از آب لوله‌کشی سالم، درصد آبادی‌های دارای بانک، درصد آبادی‌های برخوردار از تعمیرگاه ماشین‌های کشاورزی و درصد آبادی‌های دارای تلفن در هر دهستان استفاده شده است. هر یک از شاخص‌های فوق می‌توانند نشانگر توسعه‌یافتگی یک منطقه باشند.

روش‌شناسی تحقیق

برای بررسی میزان توسعه‌یافتگی روستاهای استان مازندران واحد تحلیل «دهستان» انتخاب شده است. دهستان مجموعه‌ی تعداد چند آبادی است که در یک نقطه جغرافیایی مشخص قرار دارد. در جهان امروز بیشتر مطالعات و بررسی‌ها در زمینه طبقه‌بندی فضایی و تعیین سیستم‌های منطقه‌ای با استفاده از روش تجزیه و تحلیل عوامل و یا تحلیل اجزای اصلی و دیگر گروه‌بندی‌های مشابه انجام می‌گردد. نوع مطالعه در طرح حاضر اسنادی و تحلیل ثانوی اطلاعات و آمار موجود می‌باشد. به عبارت دیگر اطلاعات و شاخص‌های مورد نظر برای هر یک از دهستان‌ها جمع‌آوری شده است و از طریق روش‌های آماری مناسب (تحلیل عوامل) به رتبه‌بندی و گروه‌بندی دهستان‌ها در استان مازندران پرداخته می‌شود.

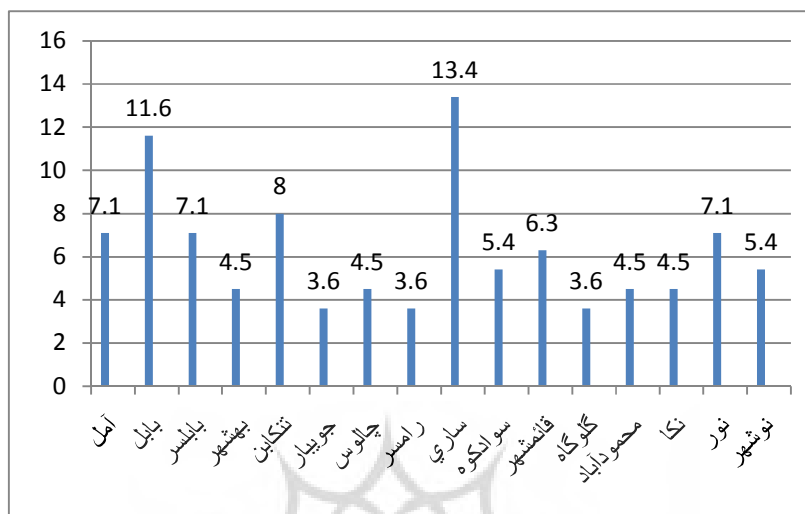
جامعه آماری کلیه دهستان‌های مازندران بوده است که تعداد آن‌ها در سال ۱۳۸۵ برابر با ۱۱۲ دهستان بوده است. شهرستان ساری با تعداد ۱۵ دهستان از بیشترین و شهرستان‌های جویبار و رامسر با تعداد ۴ دهستان کمترین فراوانی را داشته است.

جدول شماره (۱): تعداد بخش و دهستان‌های شهرستان‌های استان مازندران

شهرستان	تعداد بخش	تعداد دهستان	نام دهستان‌ها
آمل	۳	۸	بالالاریجان، لاریجان سفلی، بالا خیابان لیتکوه، پایین خیابان لیتکوه، چلاو، هرازیبی جنوبی، دابوی جنوبی، دشت‌سر
بابل	۶	۱۳	خوش‌رود، شهیدآباد، فیضیه، اسوکلا، سنج افروز، سجادرود، فیروزجاه، بابل کنار، درازکلا، کاری بی، لاله‌آباد، کتاب جنوبی، کتاب شمالی
بابلسر	۴	۸	امامزاده عبدالله، باریک رود، ساحلی، بابل رود، بهمنیر، عزیزک، پازوار، خشک رود
بیشهر	۲	۵	کوهستان، میان کاله، پنج هزاره، شهدا، عشرستاق
تنکابن	۴	۹	کلارآباد، لنگارود، میرشمس‌الدین، کلیجان، تمشکل، کترا، بلده، سه هزار، دوهزار
جویبار	۲	۴	چیکرود، لاریم، حسن‌رضا، سیاهرود
چالوس	۲	۵	بیرون بشم، کلاردشت، کوهستان، کلارستاق شرقی، کلارستاق غربی
رامسر	۱	۴	جنت رودبار، چهل شهید، سخت‌سر، اشکور
ساری	۵	۱۵	پشتکوه، چهاردانکه، گرماب، بناقت، فریم، اسفیوردشوراب، رودپی جنوبی، کلیجان رستاق سفلی، مذکور، میانرود کوچک، رودپی شمالی، میان دورودبزرگ، کوهدشت، تنگه سلیمان، کلیجان رستاق علیا
سوادکوه	۲	۶	شرقی و غرب شیرگاه، نفور، راستویی، سرخکلا، ولویی، کسلیان
قائم‌شهر	۲	۷	بالاتجن، بیشه‌سر، علی‌آباد، نوکندکلا، کوهساران، تالاری، کیاکلا
گلوگاه	۲	۴	کلبادشرقی، کلبادغربی، توسکاچشمه، آزادگان
محمودآباد	۲	۵	دابوی شمالی، هرازیبی شمالی، اهلرستاق جنوبی، اهلرستاق شمالی، هرازیبی غربی
نکاء	۲	۵	بی رجه، قره‌ظفان، مهروان، استخریشت، زارم رود
نور	۳	۸	اوزرود، تارستاق، شیخ فضل‌اله نوری، لایوچ، میانرود، نائل رستاق، میان‌بند، نائل کنارعلیا
نوشهر	۲	۶	پنجک رستاق، توانج کجور، زانوس رستاق، بلده کجور، خیرودکنار، کالج
کل استان	۴۴	۱۱۲	-----

شیوه‌ی تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از میزان همبستگی بین شاخص‌ها کاهش تعداد زیاد شاخص‌ها به چند شاخص کلی و در نهایت گروه‌بندی و رتبه‌بندی دهستان‌ها از نظر سطح توسعه‌یافتگی یا محرومیت می‌باشد که این امر با استفاده از نرم افزار آماری SPSS انجام شده است. در روش تجزیه و تحلیل عاملی در مرحله اول تعداد اندکی از عوامل و یا اجزا از میان داده‌های موجود بیرون کشیده شده و بر پایه این عوامل متغیرهای ترکیبی که اساس بسیاری از تغییرات در شاخص‌های اولیه است، تشکیل می‌شوند. این عمل اثر دو بار شماری صفات مشترک موجود در متغیرها را که بر کل تغییرات تاثیر می‌گذارند، از بین می‌برد. در مرحله دوم به هر یک از مشاهدات یا موارد موجود در عوامل و یا اجزای مختلف نمره‌ای داده می‌شود و از این ارقام برای طبقه‌بندی دهستان‌ها استفاده می‌شود.

نمودار شماره (۱): توزیع نسبی دهستان‌های استان مازندران بر حسب شهرستان



یافته‌ها و نتایج به دست آمده از تحقیق

با انجام روش تحلیل عاملی و چرخش متغیرها از طریق چرخش واریماکس تعداد چهار عامل یا فاکتور از بین ۱۴ متغیر بیرون کشیده شده است که در مجموع این عوامل ۷۲/۲۵ درصد از تغییرات را تبیین می‌کنند. نخستین گام تحلیل عامل این است که ببینیم آیا متغیرهای مورد نظر جهت تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر؟ جهت این کار از آزمون *KMO* استفاده می‌شود. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که داده‌ها برای تحلیل عامل مناسب است، چرا که مقدار آماره *KMO* برابر با ۰/۷۹۱ می‌باشد. این رقم نشان می‌دهد که همبستگی بین هر جفت از متغیرها به وسیله‌ی متغیرهای دیگر در سطح بسیار خوبی تبیین می‌شود. همچنین آزمون بارتلت نیز بیانگر این واقعیت می‌باشد، چرا که رقم به دست آمده از آزمون کرویت بارتلت و ناچیز بودن سطح معنی‌داری آن این فرضیه که ماتریس مربوط به آن یک ماتریس واحد است را رد می‌کند.

بررسی ماتریس همبستگی ضدتصویر^{۱۱} نشان می‌دهد که سهم ضرایب بزرگ زیاد نیست. در نتیجه روش تجزیه و تحلیل عوامل برای این پژوهش مناسب می‌باشد. معیار کفایت نمونه‌گیری نیز که در قطر ماتریس همبستگی ضدتصویر قرار گرفته برای بیشتر متغیرهای مورد مطالعه رقم بالایی را نشان می‌دهد و به این ترتیب نیازی به حذف هیچ یک از متغیرها نمی‌باشد.

روش دیگر برای بیان قدرت ارتباط خطی بین متغیرها محاسبه مربع ضریب همبستگی چندگانه^{۱۲} است. هر چه مقدار این ضریب بزرگتر باشد، توان ارتباط آن نیز بیشتر خواهد بود. ملاحظه می‌شود که متغیر بُعد خانوار در هر دهستان کمترین ارتباط خطی را با متغیرهای دیگر دارد.

جدول شماره (۲): ضرایب همبستگی متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	مربع ضریب همبستگی چندگانه
درصد آبادی‌های دارای مدرسه راهنمایی	۰/۸۴۹
درصد آبادی‌های بهره‌مند از برق	۰/۸۳۸
درصد آبادی‌های دارای دبستان	۰/۸۲۴
درصد آبادی‌های برخوردار از دبیرستان	۰/۸۱۴
درصد آبادی‌های دارای پزشک	۰/۸۰۷
درصد آبادی‌های بهره‌مند از مرکز بهداشتی - درمانی	۰/۷۹۹
درصد آبادی‌های دارای تعمیرگاه ماشین‌های کشاورزی	۰/۷۹۴
درصد آبادی‌های دارای تلفن	۰/۷۶۴
درصد برخوردار از آب لوله‌کشی	۰/۷۶۳
میزان پاسوادی	۰/۷۳۰
تراکم خانوار در واحد مسکونی	۰/۶۴۸
درصد آبادی‌های دارای بانک	۰/۵۱۸
میزان اشتغال	۰/۵۰۷
بُعد خانوار	۰/۴۵۹

با لحاظ نمودن مقدار ویژه بالاتر از یک، تعداد چهار عامل استخراج گردیده که مقادیر عدد ویژه و درصد تغییرات تبیین شده هر یک به شرح جدول زیر است:

جدول شماره (۳): مقادیر ویژه و درصد تغییرات هر یک از عامل‌ها

عامل	مقدار عدد ویژه	درصد تغییرات	درصد تجمعی تغییرات
۱	۵/۳۷	۳۰/۶۸	۳۰/۶۸
۲	۲/۰۵	۱۶/۸۸	۴۷/۵۶
۳	۱/۴۴	۱۴/۴۱	۶۱/۹۷
۴	۱/۲۵	۱۰/۲۸	۷۲/۲۵

مقدار ویژه^{۱۳} عامل‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ به ترتیب برابر با ۵/۳۷، ۲/۰۵، ۱/۴۴ و ۱/۲۵ است. در جدول بالا بیشترین سهم تغییرات مشاهده شده توسط عامل اول تبیین می‌شود که ۳۰/۶۸ درصد است. با افزودن عامل دوم به عوامل مورد بررسی، درصد تغییرات بیان شده به ۴۷/۵۶ درصد افزایش می‌یابد. افزودن عامل‌های سوم و چهارم مجموع تغییرات تبیین شده‌ی مدل چهار عاملی به دست آمده را به ۷۲/۲۵ درصد افزایش می‌دهد. بنابراین چهار عامل اولی به خوبی بیان‌کننده تغییرات بین متغیرها هستند و افزودن عوامل بعدی تاثیر ناچیزی در طبقه‌بندی عوامل خواهند گذاشت. در نتیجه دسته‌بندی دهستان‌های استان

مازندران بر اساس عوامل اول تا چهارم - به ویژه عامل اولی - به خوبی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

بررسی ماتریس ضرایب ارقام عامل^۴ در این پژوهش نشان می‌دهد که عامل یک بالاترین ضریب همبستگی را با متغیر درصد آبادی‌های بهره‌مند دبیرستان دارد. پس از این متغیر، درصد آبادی‌های دارای مرکز بهداشتی - درمانی، درصد آبادی‌های برخوردار از مدرسه راهنمایی، درصد آبادی‌های دارای پزشک، درصد آبادی‌های دارای تلفن و درصد آبادی‌های بهره‌مند از تعمیرگاه ماشین‌های کشاورزی نیز بیشترین همبستگی را با عامل یک دارند. بنابراین می‌توان فهمید که عامل یک نمایانگر امکانات آموزشی، خدماتی و درمانی در دهستان‌های مازندران است. ضرایب همبستگی متغیرها با عامل دوم نشان می‌دهد که این عامل بیشترین همبستگی مثبت را به ترتیب با درصد آبادی‌های دارای برق، درصد آبادی‌های برخوردار از آب لوله‌کشی و درصد آبادی‌های بهره‌مند از دبستان دارد به عبارت دیگر می‌توان این شاخص‌ها را با تأسیسات زیربنایی آرایه شده در روستاها دانست و نشانگر میزان دسترسی دهستان‌های استان به ملزومات رفاهی و زیربنایی می‌باشد.

عامل سوم با متغیر میزان باسوادی بیشترین و بالاترین ضریب مثبت را دارد. پس از آن نیز شاخص‌های درصد آبادی‌های دارای بانک و بُعد خانوار قرار دارند. این عامل را می‌توان شاخص‌های اجتماعی و خدماتی دانست. کمترین سهم از تغییرات متغیرهای مورد بررسی را عامل چهارم به خود اختصاص داده است. این عامل بیشترین ضریب همبستگی را با تراکم خانوار در واحد مسکونی را نشان می‌دهد و پس از آن میزان اشتغال در دهستان‌ها قرار دارد که در مجموع نشان دهنده شاخص‌های اقتصادی روستاهاست.

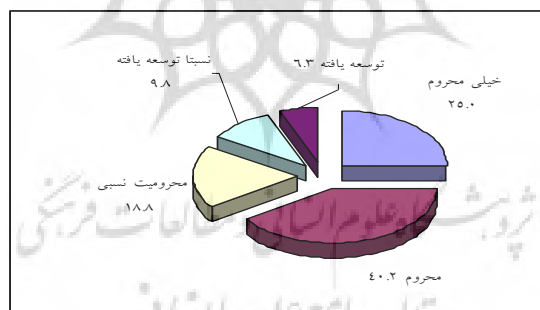
در ادامه با استفاده از نتایج به دست آمده از این مطالعه دهستان‌های استان مازندران بر حسب محرومیت و توسعه رتبه‌بندی شده است. بر اساس هر یک از چهار عامل مورد مطالعه و استخراج شده می‌توان این رتبه‌بندی را انجام داد. اما یادآوری این نکته ضروری است که با توجه به سهم بالای عامل اول در تبیین پراش بین متغیرها (۳۰/۶۸ درصد از کل تغییرات) رتبه‌بندی انجام شده بر اساس این عامل را می‌توان شاخص محرومیت، عقب‌ماندگی و یا توسعه‌یافتگی دهستان‌ها دانست. هر چند که رتبه‌بندی بر اساس عامل‌های دیگر نیز می‌تواند محرومیت و توسعه‌یافتگی دهستان‌ها را از نظر امکانات

مختلف ارزیابی کنند. دهستان‌های استان مازندران بر حسب ضرایب میزان توسعه‌یافتگی اجتماعی در پنج گروه یا دسته، از توسعه‌یافته تا خیلی محروم قرار گرفته‌اند که در جدول شماره (۴) نتایج آن مشاهده می‌شود:

جدول شماره (۴): گروه‌بندی دهستان‌ها بر حسب میزان توسعه‌یافتگی اجتماعی

دهستان	میزان توسعه اجتماعی	ضرایب توسعه یافتگی
زارم رود، لاریم، آزادگان، کلارستاق غربی، ولویی، هرآزی جنوبی، چلاو، پنج هزاره، چپکرو، میان کاله، کوهستان (چالوس)، نائل کنار علیا، سرخکلا، خوش رود، تمشکل، راستویی، بلده، کلیجان، میان بند، کترا، سخت سر، سجادود، سه هزار، کلارستاق شرقی، دوهزار، چهل شهید، فیروزجاه، کلارآباد	خیلی محروم	۱- تا ۰/۵-
نوسکاچشمه، گرماب، بالاتجن، حسن رضا، رودپی شمالی، تنگه سلیمان، کیاکلا، مهران، ساهرود، بلده کجور، شرق و غرب شیرگاه، بابل کنار، اوژرود، پشکوه، نفور، چهارداتگه، رودپی جنوبی، کتاب شمالی، نوکندکلا، اهلرستاق جنوبی، کالیج، بالا خیابان لیتکوه، اشکور، کوهساران، دابوی شمالی، بالالاریجان، پنجک رستاق، بهنمیر، فریم، لاله آباد، شیخ فضل اله نوری، ساحلی، عسرتاق، بازوار، میانرود، پایین خیابان لیتکوه، میرشمس‌الدین، تالاری، جنت رودبار، لاریجان سفلی، نائل رستاق، مذکور، درازکلا، لنگارود، لایوج	محروم	۰/۵- تا صفر
کلیجان رستاق علیا، زانوس رستاق، دشت سر، علی آباد، بیشه سر، تارستاق، اسبوکلا، اسفیوردشوراب، خشکرو، کلاردشت، خیره کنار، بیرون بشم، شهدا، کاری پی، فیضیه، هرآزی غربی، پی رجه، کلیجان رستاق سفلی، دابوی جنوبی، کسلان، کتاب جنوبی	محرومیت نسبی	۰/۴۹ تا ۰
قره طغان، توابع کجور، شهید آباد، باریک رود، بناقت، کلیادغری، استخریشت، میان دورودبزرگ، میانرود کوچک، هرآزی شمالی، کوهدشت	نسبتاً توسعه یافته	۰/۵ تا یک
عزیزک، کلیادشرفی، گنج افروز، کوهستان (بشهر)، بابلرود، اهلرستاق شمالی، امامزاده عبدالله	توسعه یافته	بیشتر از یک

نمودار شماره (۲): توزیع نسبی دهستان‌ها بر حسب میزان توسعه‌یافتگی اجتماعی



نتایج جدول آنالیز واریانس نشان می‌دهد که مقدار آزمون F با درجه آزادی ۴ برابر با ۵۱/۰۰۴ و سطح معناداری آن صفر می‌باشد. این امر نشانگر آن است که با احتمال بیش از ۹۹ درصد بین میانگین ضرایب توسعه‌یافتگی اجتماعی و گروه‌بندی دهستان‌های استان بر حسب میزان توسعه اجتماعی از توسعه‌یافته تا خیلی محروم تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۵): نتایج آنالیز واریانس

	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	۷۲/۸۱۲	۴	۱۸/۲۰۳	۵۱/۰۰۴	۰/۰۰۰
Within Groups	۳۸/۱۸۸	۱۰۷	۰/۳۵۷		
Total	۱۱۱/۰۰۰	۱۱۱			

چون این آزمون مشخص نمی‌کند که تفاوت میانگین ضرایب توسعه‌یافتگی اجتماعی در کدام گروه‌هاست، لذا باید از برخی آزمون‌ها مانند: آزمون دانکن، آزمون *LSD*، آزمون توکی، آزمون شفه و غیره استفاده کرد. جهت رفع این نقیصه از آزمون دانکن استفاده شد و نتایج آزمون نشان می‌دهد که دهستان‌های توسعه‌یافته (تعداد ۷ دهستان) با میانگین ۲/۷۰ در یک گروه می‌باشد. دهستان‌های نسبتاً توسعه‌یافته (تعداد ۱۱ دهستان) با میانگین ۰/۶۴۶ در یک گروه، دهستان‌های با محرومیت نسبی (تعداد ۲۱ دهستان) با میانگین ۰/۱۹ و دهستان‌های محروم (تعداد ۴۵ دهستان) با میانگین ۰/۲۲۵ - به طور مشترک در یک گروه قرار گرفته‌اند. همچنین دهستان‌های خیلی محروم (تعداد ۲۸ دهستان) با میانگین ضریب توسعه‌یافتگی اجتماعی برابر با ۰/۷۱ - در گروه دیگری جای دارند.

جدول شماره (۶): نتایج آزمون دانکن

گروه‌بندی دهستان‌ها از نظر سطوح توسعه اجتماعی	تعداد دهستان‌ها	Subset for alpha = .05			
		۱	۲	۳	۴
خیلی محروم	۲۸	-۰/۷۱۰۳۰			
محروم	۴۵		-۰/۲۲۵۳۲		
محرومیت نسبی	۲۱		۰/۱۹۱۰۴		
نسبتاً توسعه‌یافته	۱۱			-۰/۶۴۶۹۰	
توسعه‌یافته	۷				۲/۷۰۰

در بین دهستان‌های بررسی شده دهستان عزیزک در شهرستان بابلسر از نظر شاخص‌های عامل اول بهترین شرایط را دارد و در مقایسه با سایر دهستان‌های استان وضعیت مطلوب‌تری دارد. پس از این دهستان‌های کلباد شرقی، گنج‌افروز، کوهستان، بابلرود، اهلرستاق شمالی و امامزاده عبدالله در رده‌های دوم تا هفتم از نظر توسعه‌یافتگی قرار دارند. دهستان کلارآباد واقع در شهرستان تنکابن از محروم‌ترین دهستان‌های استان که در آخرین رده از نظر توسعه قرار دارد. پس از این دهستان‌های فیروزجاه، چهل شهید و دوهزار می‌باشد که شرایط توسعه نامطلوب را دارند.

جدول شماره (۷): گروه‌بندی دهستان برحسب محرومیت و توسعه (عامل اول)

ردیف	دهستان	رقم عامل	ردیف	دهستان	رقم عامل
۱	عزیزک	8.04522	۵۷	گناب شمالی	-0.11713
۲	کلباد شرقی	2.72204	۵۸	نوکندکلا	-0.11842
۳	گنج افروز	2.59078	۵۹	اهلمرساق جنوبی	-0.1378
۴	کوهستان (پهشهر)	1.70907	۶۰	کالج	-0.17037
۵	یابرو	1.48666	۶۱	بالاخیاان لیتکوه	-0.17835
۶	اهلمرساق شمالی	1.18762	۶۲	اشکور	-0.21402
۷	امامزاده عبدالله	1.15874	۶۳	کوهساران	-0.22313
۸	قره طغان	0.97874	۶۴	دابوی شمالی	-0.25686
۹	توابع کجور	0.86511	۶۵	بالالاریجان	-0.25739
۱۰	شهیدآباد	0.75083	۶۶	پنجک رستاق	-0.25998
۱۱	باریک‌رود	0.65129	۶۷	بهنمیر	-0.28538
۱۲	بنافت	0.58687	۶۸	فریم	-0.33187
۱۳	کلباد غربی	0.57492	۶۹	لاله آباد	-0.33331
۱۴	استخرپشت	0.56106	۷۰	شیخ فضل اله نوری	-0.33953
۱۵	میان دورود بزرگ	0.55888	۷۱	ساحلی	-0.34254
۱۶	میان دورود کوچک	0.55299	۷۲	عشرساق	-0.35597
۱۷	هرازی شمالی	0.53139	۷۳	پازوار	-0.37861
۱۸	کوهدشت	0.50386	۷۴	میازود	-0.39718
۱۹	کلیجان رستاق علیا	0.48991	۷۵	پائین خیابان لیتکوه	-0.3986
۲۰	زانوس رستاق	0.37266	۷۶	میرشخص الدین	-0.40326
۲۱	دشت‌سر	0.34732	۷۷	تالاری	-0.40825
۲۲	علی آباد	0.31407	۷۸	جنت رودبار	-0.43664
۲۳	پیشه‌سر	0.30637	۷۹	لاریجان سفلی	-0.44631
۲۴	تتارساق	0.29414	۸۰	ناتل رستاق	-0.46283
۲۵	اسبوکلا	0.28066	۸۱	مدکور	-0.46508
۲۶	اسپورد شوراب	0.24844	۸۲	درازکلا	-0.46746
۲۷	خشکرد	0.23639	۸۳	لنگارود	-0.48138
۲۸	کلاردشت	0.21687	۸۴	لاویج	-0.49224
۲۹	خیرودکنار	0.20453	۸۵	زارم رود	-0.50554
۳۰	بیرون بشم	0.1747	۸۶	لاریم	-0.50872
۳۱	شهدا	0.15977	۸۷	آزادکنار	-0.52386
۳۲	کاری بی	0.11652	۸۸	کلارستان غربی	-0.5546
۳۳	فیضیه	0.0929	۸۹	ولویی	-0.56094
۳۴	هرازی غربی	0.05717	۹۰	هرازی جنوبی	-0.58509
۳۵	بی رجه	0.04332	۹۱	چلاو	-0.58781
۳۶	کلیجان رستاق سفلی	0.02026	۹۲	پنج هزاره	-0.59167
۳۷	دابوی جنوبی	0.01754	۹۳	چیکرود	-0.60183
۳۸	کسلیان	0.00956	۹۴	میان کاله	-0.62202
۳۹	کتاب جنوبی	0.00892	۹۵	کوهستان	-0.63147
۴۰	توسکاچشمه	-0.006	۹۶	ناتل کنارعلیا	-0.64658
۴۱	گراب	-0.01829	۹۷	سرخکلا	-0.65895
۴۲	بالاتجن	-0.01881	۹۸	خوش رود	-0.68255
۴۳	حسن رضا	-0.02926	۹۹	تمشکل	-0.69702
۴۴	رودپی شمالی	-0.03433	۱۰۰	راستویی	-0.72189
۴۵	تنگه سلیمان	-0.0371	۱۰۱	یلده	-0.72822
۴۶	کیاکلا	-0.04413	۱۰۲	کلیجان	-0.73371
۴۷	مهروان	-0.0446	۱۰۳	میان بند	-0.74306
۴۸	سیاهرود	-0.04574	۱۰۴	کترا	-0.79334
۴۹	بلده کجور	-0.05	۱۰۵	کلارستان شرقی	-0.79604
۵۰	شرق و غرب شیرگاه	-0.05633	۱۰۶	سجاد رود	-0.81201
۵۱	بابل کنار	-0.0884	۱۰۷	سه هزار	-0.81592
۵۲	اوز رود	-0.09162	۱۰۸	سخت سر	-0.84959
۵۳	پشتکوه	-0.09838	۱۰۹	دو هزار	-0.84976
۵۴	نور	-0.10097	۱۱۰	چهل شهید	-0.89027
۵۵	چهاردانگه	-0.10728	۱۱۱	فیروزجاه	-0.92332
۵۶	رودپی جنوبی	-0.10848	۱۱۲	کلارآباد	-1.27275

خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش هدف شناخت و سنجش سطح توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان و گروه‌بندی و رتبه‌بندی دهستان‌های استان مازندران از نظر توسعه‌یافتگی بوده است. جهت این امر از یک سری شاخص‌هایی مانند درصد آبادی‌های دارای دبیرستان، مدرسه راهنمایی، پزشک، مرکز بهداشتی و درمانی، بُعد خانوار، میزان اشتغال، بانک، تلفن و آبادی‌های دارای تعمیرگاه ماشین‌های کشاورزی و غیره استفاده شده است. در نهایت با استفاده از تحلیل عاملی تعداد چهار عامل امکانات آموزشی، خدماتی و درمانی (درصد آبادی‌های دارای دبیرستان، آبادی‌های بهره‌مند از مرکز بهداشتی - درمانی، درصد آبادی‌های دارای مدرسه راهنمایی، درصد آبادی‌های برخوردار از پزشک، درصد آبادی‌های دارای تلفن و درصد آبادی‌های بهره‌مند از تعمیرگاه ماشین‌های کشاورزی)، عامل ملزومات رفاهی و زیربنایی (درصد آبادی‌های دارای برق، آب لوله‌کشی و درصد آبادی‌های برخوردار از دبستان)، عامل سوم شاخص‌های اجتماعی و خدماتی (میزان باسوادی، بُعد خانوار و درصد آبادی‌های بهره‌مند از بانک) و عامل چهارم شاخص‌های اقتصادی (میزان اشتغال و تراکم خانوار در واحد مسکونی) استخراج گردیده است. مهمترین و با اثرترین متغیر فوق، شاخص درصد آبادی‌های برخوردار از مدرسه راهنمایی و کم‌اثرترین آن نیز بُعد خانوار می‌باشد.

توسعه اجتماعی از مفاهیمی است که با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوند تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت می‌باشد. بر این مبناست که گفته شده «منظور از توسعه اجتماعی اشکال متفاوت کنش متقابلی است که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می‌دهد. توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی جنبه‌های مکمل و پیوسته یک پدیده است و هر دو نوع الزاماً به ایجاد وجوه تمایز فزاینده جامعه منجر می‌شود. پس توسعه اجتماعی برای ایجاد بهبود وضعیت اجتماعی افراد جامعه است که برای تحقق چنین بهبودی در پی تغییر در الگوهای دست و پاگیر و زاید رفتاری، شناختن و روی آوردن به یک نگرش، آرمان و اعتقاد مطلوب‌تری است که بتواند پاسخگوی مشکلات اجتماعی افراد باشد.

الگوی توسعه ایران باید در برگیرنده‌ی توازن در بخش‌های مختلف جامعه، ضامن رابطه‌ای موزون با دیگر کشورها، حافظ منابع مختلف جامعه برای مصرف آیندگان باشد و عدالت اجتماعی را در جامعه ایجاد کند. توسعه اقتصادی بایستی بر مبنای علمی - فنی با توجه به امکانات سرمایه‌ای و به کارگیری مدیریت و نیروی انسانی کارا در قالبی عقلایی در تقسیم کار جهانی باشد. در زمینه توسعه اجتماعی باید عدالت اجتماعی بین شهر و روستا و جامعه عشایری به یک شکل و اندازه رعایت گردد (لهسایی زاده، ۱۳۸۱، صص ۱۱۵-۱۱۴).

امروزه توسعه به عنوان یک امر اجتناب‌ناپذیر برای کشورهای توسعه‌نیافته پذیرفته شده است و لذا از هر گونه تلاش برای تحقق آن فروگذار نخواهند بود. همچنین توسعه یک امر چندبُعدی است و توسعه‌ای پایدار است که همه جنبه‌ها را با هم و موازی با یکدیگر تحقق بخشد. بر اساس روش فاکتور آنالیز می‌توان به کمک شاخص‌های مناسب مقادیر عددی از سطح توسعه‌یافتگی مناطق به دست آورد. نتایج حاصل از رتبه‌بندی با استفاده از روش تجزیه و تحلیل عامل نشان می‌دهد که عامل اول بیشترین میزان تغییرات شاخص نهایی را تبیین می‌کند که در آن متغیرهای درصد آبادی‌های دارای دبیرستان، مدرسه راهنمایی، پزشک، مرکز بهداشتی و درمانی، تلفن و آبادی‌های بهره‌مند از تعمیرگاه ماشین‌های کشاورزی همبستگی بالایی دارند. این عامل به تنهایی ۳۰/۶۸ درصد از تغییرات یا واریانس مورد نظر را توضیح می‌دهد.

با توجه به ضرایب عاملی این عامل و رتبه‌بندی و گروه‌بندی دهستان‌های استان مازندران بر این اساس سه دهستان عزیزک، کلباد شرقی و گنج‌افروز در سطح برخوردار و توسعه‌یافته قرار گرفته‌اند. در سطح خیلی محروم یا توسعه‌یافتگی کم دهستان‌هایی مانند کلارآباد و فیروزجاه قرار دارند که نیاز به توجه و برنامه‌ریزی لازم جهت برخوردار شدن از امکانات خدماتی، رفاهی و بهداشتی یاد شده را دارند. با توجه به نتایج تحقیق می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه نمود:

- ۱- ایجاد مراکز پیش دانشگاهی و دبیرستان در روستاهای دارای پتانسیل پرجمعیت جهت بهبود امکانات آموزشی.
- ۲- بهبود و بالابردن سطح امکانات بهداشتی از جمله خانه‌های بهداشت و مراکز بهداشتی - درمانی.

- ۳- توجه بیشتر به روستاهایی که در سطوح پایین توسعه یافتگی یا در شرایط محرومیت به سر می‌برند، برای گسترش عدالت اقتصادی و اجتماعی در بین روستاها و آبادی‌ها.
- ۴- کم نمودن شکاف اقتصادی و اجتماعی بین نقاط شهری و روستایی جهت جلوگیری از مهاجرت افراد تحصیل کرده به شهرها و در نتیجه بالا رفتن باسوادی جمعیت روستاها و خالی نشدن آبادی‌ها از نیروهای ماهر، جوان و تحصیل کرده.

زیر نویس‌ها

- | | | | |
|----------------|-----------------|-------------------------------------|-------------|
| 1- Warner | 2- Weber | 3- Mills & Gerth | 4- Dong Kim |
| 5- Anderouz | 6- Witty | 7- Derownesky | 8- Gollet |
| 9- Mazloo | 10- Mayelz | 11-Anti image correlation matrix | |
| 12- Commuality | 13- Eigen value | 14- Factor score coefficient matrix | |

منابع

- ۱- از کیا، مصطفی و دیگری. جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات کیهان. چاپ پنجم: ۱۳۸۴
- ۲- از کیا، مصطفی. جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات موسسه نشر کلمه. چاپ اول: ۱۳۷۷
- ۳- اسماعیلی، رضا. بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سطح بندی آن در شهرستان‌های استان اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان. ۱۳۸۵.
- ۴- بخارایی، احمد. نگاه خرد و کلان به توسعه اجتماعی. مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ اول: ۱۳۸۰.
- ۵- پایلی زیدی، محمد حسین و محمد امیر ابراهیمی. نظریه‌های توسعه روستایی. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول: ۱۳۸۱
- ۶- تودارو، مایکل. توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه: عباس مخبر. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه. چاپ اول: ۱۳۶۶
- ۷- سازمان برنامه و بودجه. اوضاع اقتصادی و اجتماعی استان فارس. شیراز: انتشارات مرکز انفورماتیک و مطالعات توسعه. چاپ اول: ۱۳۷۲
- ۸- شمع‌دانی حق، علی. ابعاد روش‌شناختی توسعه اجتماعی. مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ اول: ۱۳۸۰.
- ۹- گای، دارام و دیگران. بررسی شاخص‌های انسانی و اجتماعی توسعه. گاهنامه روستا و توسعه. گزیده مقالات. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی جهاد سازندگی. شماره چهارم. ۱۳۷۱
- ۱۰- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور. چاپ اول: ۱۳۸۱
- ۱۱- مرکز آمار ایران. فایل نتایج سرشماری ۱۳۸۵ استان مازندران بر حسب دهستان. تهران. ۱۳۸۵
- ۱۲- مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. طرح کالبدی منطقه خوزستان. نابرابری و محرومیت زدایی. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. چاپ اول: ۱۳۸۳.
- ۱۳- مؤمنی، فرشاد. نسبت توسعه اجتماعی با عدالت اجتماعی. مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ اول: ۱۳۸۰.
- 14- Margaret, Hardiman & James Midgley. The social dimensions of development, England: Gower publishing L.S.E, Third edition: 1991.
- 15- Rao, Siriginidi .Subba. Social development in India rural communities, international journal of information management, December 2008, vol 28, issue 6. 2008.
- 16- Brijesh C. Purohit. Health and human development at sub- state level in India, journal of socio economics, vol 37, issue6, dece.